

■ رها کشاورز
مهلت ثبت نام و ارسال آثار جشنواره فرهنگی
و هنری «اتقان» که با محوریت ارتقای فرهنگ
کار، آغاز به کار کرده است تا روز شنبه ۲۰
مرداد تمدید شد.

غواصی در آب و آتش

«میهنمان ام‌الرصاص» خاطرات خودنوشت غواص جانباز لشکر ۳۱ عاشورا است که از سوی خود راوی خاطرات مکتوب گشته و به همت انتشارات سوره مهر نیز به چاپ رسیده است.

سیدجعفر حسینی ودیق، راوی و نویسنده اثر قلمش روان است و بی‌دنگ و فنگ کلمات را به سه هم می‌بافد. برخلاف تواضعی که در مقدمه به کار می‌بندد از حافظه خوبی برخوردار است و تقریباً غیر از چند مورد اسم و مشخصات، تمام بخش‌های طرح شده در خاطراتش را با ریز جزئیات به تصویر می‌کشد. خود کتاب هم مجموعه پروپیمانی را در خود جای داده و نویسنده در سی‌صدوندی صفحه با رعایت تقدیم و تأخیر زمانی، مرتب و منظم خاطراتش را روایت کرده.

استخوان‌بندی خاطرات در چهار بخش شکل گرفته. راوی با طرح مقدمه‌ای از تیره و پیشینه خانواده‌اش روایت خاطراتش را از زمان تولد و دوران کودکی شروع نموده و با توجه به شرح تفصیلی راوی، اطلاعات مبسوطی از شرایط زندگی و حال و هوای آن مقطع زمان راوی، و مکانی برای خواننده فهرست می‌شود. در بخش‌های بعدی شاهد ورود سوز به دوران نوجوانی و زدن و جرح‌دهای ابتدای انقلاب هستیم که در این بخش نیز مانند مورد قبلی البته به‌صورت اجمالی تر فضای انقلابی آن مقطع نواحی مختلف کشور در متن کتاب منعکس

■ سیدعلی مددزدی

همواره از پیکجی آبیمناب با آب در یک جوی جاری شده. حتی آنهایی هم که گاهی در استخری با دریایی پرشان به بر این موجود عجیب گیر کرده‌نیز گواهاندر بسک‌بالی‌حاصل از آغوش گرفتشت.

آب در لیوان که آرام بگیرد عطش را خاموش می‌کند؛ در مسیل و حوض و گودال‌های ژرف جاری‌شده؛ با ساکنانش دواي گرسنگان می‌شود و از همه مهم‌تر هنگامی که با ضدهم‌نشین‌شده؛ آتش را به اسارت درمی‌آورد و پرايگر زندگی در نسوختن می‌شود. احتمالاً هیچ جوهره در تصور هم نمی‌گنجد که دمی این آتش باشد که محیط بر آب، قلدرمانداین حکم بر سوختن بدهد و زین بر پشت کرانه‌ای را درون شعله‌هایش بسوزاند. بله سوختن آب در آتش محال بود تا زمانی که بشر به دست صنعت آتش را در اشکال گوناگون درآورد و با قلب طماعش این اشکال را به دامن همنوعی نشانده و شهادتش هم غواصانی هستند که روزگاری در دفاع از خاکشان به آبی زدند که هم آب بود و هم آتش.

«میهنمان ام‌الرصاص» راوی روزگار یکی از همین غواص‌هاست. غواصی که هنوز پشت لب سبز نکرده به دلیل قتل آرام سن و سالش ماهه‌ها در صف اعزام به جنگ نشست و پس از اعزام هم بعد چند صبح تجربه خاک و آتش و دود، میهنان آب‌های جنوب ایران شد.